

آغاز و انجام شرکت ملی طبع کتب اولین شرکت خصوصی ترجمه و نشر در ایران

سمیه دل‌زنده‌روی
دانشگاه ولی عصر رفسنجان

بررسی ترجمه‌های چاپ‌شده در یک برهه تاریخی و در بستری اجتماعی فرهنگی و به‌خصوص در بستر روابط قدرت در جوامع استبدادی می‌تواند ما را به درک بهتری از نقش ترجمه در آن برهه برساند. این بررسی شامل بررسی انگیزه مترجمان، بررسی علل کم (تعداد کتاب‌های ترجمه‌شده) و کیفیت ترجمه‌ها (نوع کتاب‌هایی که برای ترجمه انتخاب می‌شوند) و نیز بررسی روش ترجمه متداول میان مترجمان آن دوره می‌شود. در این مقاله، و در چنین بستر نظری، به بررسی آغاز و انجام شرکت ملی طبع کتب پرداخته‌ام که اولین شرکت خصوصی در ایران در حوزه ترجمه و نشر بود. این شرکت در فضای باز سیاسی و آزادی نسبی پس از مرگ ناصرالدین شاه و جانشینی فرزندش مظفرالدین شاه در پی فعالیت‌های انجمن معارف به‌وجود آمد و به مدت یازده سال از ۱۳۱۵ق تا ۱۳۲۷ق فعالیت کرد و عمدتاً به ترجمه و تألیف و نشر کتاب‌های درسی و علمی برای مدارس جدید پرداخت؛ ولی به‌رغم امیدی که در ابتدای کار با تغییر وضعیت سیاسی در کشور پیدا شده بود این شرکت در نهایت قربانی استبداد شد. در این مقاله شرح مختصری از تاریخچه آغاز و انجام غم‌انگیز این شرکت ارائه داده‌ام و علاوه بر ارائه فهرستی از انتشارات شرکت به دو موضوع دیگر هم پرداخته‌ام: معیار مترجمان شرکت در انتخاب کتاب برای ترجمه و روش ترجمه متداول در میان مترجمان شرکت.

۱. آغاز شرکت ملی طبع کتب

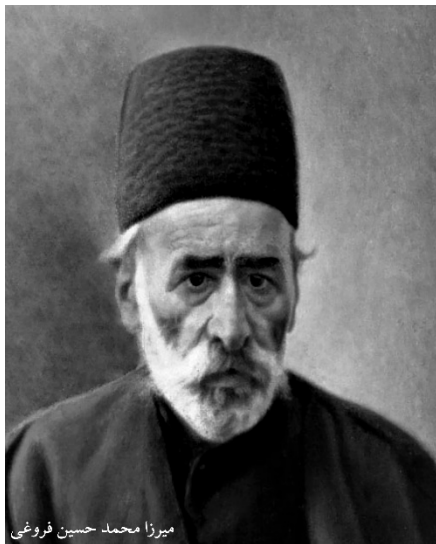
در پی فضای بازتر و برخورداري نسبی از آزادی بیشتر در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه،

عده‌ای از وطن‌دوستان با آگاهی از وضعیت نامطلوب تحصیل و آموزش در کشور درصدد تأسیس مدارس به سبک جدید برآمدند. در اواسط رجب ۱۳۱۵ق، جلسه‌ای به پیشنهاد سیدکریم‌خان سردار مکرّم فیروزکوهی با استقبال میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه (معاون وزارت خارجه وقت) و حمایت میرزا علی‌خان امین‌الدوله، رئیس مجلس وزراء و صدراعظم بعدی مظفرالدین‌شاه، به همراه جمعی از افرادی که به آنها معارف‌طلبان می‌گفتند تشکیل شد. این جلسه، هسته آغازین سلسله فعالیت‌هایی بود که در رأس آن تأسیس مدارس و کتابخانه ملی بود. «ملی» بدین معنا که هزینه آن از سوی خیرین و معارف‌دوستان به صورت اعانه تأمین می‌شد و دولت بودجه معینی به آن اختصاص نمی‌داد. افرادی که در این جلسه شرکت کردند هم از درباریان و هم از اعضای دولت و هم از روشنفکران و معارف‌خواهان بیرون دربار بودند.

در اواخر ذیحجه ۱۳۱۵ق مراسم افتتاح مدرسه علمیه، سومین مدرسه تأسیس شده توسط انجمن معارف، برگزار شد و از امین‌الدوله، صدراعظم وقت، نیز دعوت به عمل آمد. احتشام‌السلطنه در همین جلسه از صدراعظم برای «ترجمه و نشر کتاب‌های مفید از زبان‌های خارجی جهت بیداری مردم» اجازه خواست. صدراعظم در جواب گفت:

البته فراهم آوردن اسباب یک اندازه بیداری ملت لازم است ولی نه زیاد زیرا که شخص غریق اگر از زندگانی خود ناامید شد از تلاش کردن و دست‌وپازدن هم که ممکن است او را به تخته پاره‌ای برساند باز خواهد ماند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۹۶).

به‌ترتیب، انجمن معارف درصدد تأسیس شرکت ملی طبع کتب برآمد؛ ولی چون فعالیت‌های انجمن افزایش یافته بود و خانه‌ای که برای انجمن در نظر گرفته بودند دیگر جوابگوی نیازهای انجمن نبود، احتشام‌السلطنه اقدام به خرید ملکی در خارج از انجمن کرد تا آن را به مطبعه و اداره نشر کتب و دارالترجمه اختصاص دهد. این مکان در «محل سابق اداره پلیس در خیابان جلیل‌آباد» قرار داشت که به همراه مغازه‌های مقابل آن خریداری شد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۲۹). بنابراین شرکت ملی طبع کتب، به باور افشار، اولین «شرکت خصوصی» است که در ایران تأسیس شد (افشار، ۱۳۷۸: ۵۹). بدین معنا که این شرکت از طریق فروش سهام، هر سهم به قیمت ده تومان، تشکیل شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۷: ۲۰۱). این شرکت در واقع نخستین «نهاد مدنی» در معنای امروزی بود که بدون «اتکا به حمایت دولت» و با «سرمایه‌گذاری عمومی» راه‌اندازی شد (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۱۵۵). این شرکت



میرزا محمد حسین فروغی

فعالیت خود را با بدنه‌ای به شرح زیر آغاز کرد: ۱. افراد هیئت علمی یا همان مترجمان (هفت نفر)؛ ۲. اعضای دفتری (۳ نفر)؛ ۳. گروه کاتبان (۱۰ نفر)؛ ۴. مصوران و چاپچی‌ها (۳ نفر) (افشار، ۱۳۷۸: ۷۳-۷۶). مترجمان عبارت بودند از: ۱. میرزا محمدحسین فروغی ملقب به ذکاءالملک؛ ۲. محمدعلی فروغی فرزند ذکاءالملک؛ ۳. میرزامحمدعلی مترجم؛ ۴. میرزامحمدخان قزوینی؛ ۵. عبدالرسول منشی؛ ۶. حسن الحسینی؛ ۷. کاظم شیمی.

۲. ایران در دوره مظفرالدین‌شاه

پیش از بررسی عملکرد شرکت در حوزه ترجمه، بی‌مناسبت نیست شرح مختصری از وضعیت ایران در دوره مظفرالدین‌شاه و خصوصیات فردی وی ارائه دهیم. دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ق) کوتاه اما همراه با حوادثی مهم در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. خصوصیت بارز این دوران شتاب سریع تحولات و برخورداری جامعه از آزادی نسبی در نشر مطبوعات و چاپ کتاب است. به تبع این آزادی‌ها، آگاهی مردم از آنچه در جهان و جامعه خویش می‌گذشت بیشتر شد و جنبش قانون‌طلبی و مشروطه‌خواهی را در پی داشت که در نهایت در همین دوره به ثمر رسید.

مظفرالدین‌شاه از جهت اخلاقی نقطه مقابل پدرش بود. هر چه پدرش ناصرالدین‌شاه سرسخت و مقتدر بود و کسی جرئت نداشت حرفی خلاف رأی او بزند، مظفرالدین‌شاه در منابع تاریخی به «نرم‌خویی، ناتوانی در تصمیم‌گیری، کم‌فکری، نوعی بلاهت و ضعف نفس» اشتها داشت (تاره، ۱۳۹۳: ۳۰۸). از ویژگی‌های دیگر مظفرالدین‌شاه «افکار تجددخواهانه» وی است که در اثر معاشرت با روشنفکران دوره ناصرالدین‌شاه «گاه‌گاه» در وی به وجود می‌آمد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۱۲). به گفته ملک‌زاده (۱۳۷۱)، وی خواهان پیشرفت و رفاه مردم بود اما توانایی عملی ساختن این خیال را نداشت (۱۱۲).

به‌طور خلاصه، هرچند وضعیت کشور در زمان مظفرالدین‌شاه در حوزه سیاست و اقتصاد بسامان نبود، در حوزه فرهنگی در همان مدت کوتاه سلطنت مظفرالدین‌شاه، اقدامات

وسعی انجام گرفت. از جمله این اقدامات، تأسیس مدارس به سبک جدید بود که انجمن معارف در این عرصه پیشگام بود. همچنین ضعف و ناتوانی مظفرالدین شاه شاید در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی مملکت را دچار آسیب کرد اما در عرصه فرهنگی، سستی و بی‌تمایلی شاه به دخالت در امور، زمینه فعالیت را برای روشنفکران آن زمان مهیا کرد. دیگر مانند زمان ناصرالدین شاه نیازی نبود هر نوشته‌ای از نظر شاه بگذرد و در صورت تأیید وی به چاپ برسد. احتشام السلطنه در خاطراتش صراحتاً می‌گوید که ساخت مدارس جدید را از زمان ناصرالدین شاه در نظر داشته و حتی تمام اسباب کار را فراهم کرده اما ناصرالدین شاه «به شدت خشمگین و عصبانی شد» و با «خشونت تمام» وی را «سرزنش و ممنوع» کرد (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۱۶).

۳. مدیریت و سیاست ترجمه در شرکت ملی طبع کتب

برخلاف دارالترجمه همایونی خاصه در زمان ناصرالدین شاه، در شرکت ملی طبع کتب هریک از مترجمان و در رأس آنها محمدحسین فروغی ذکاءالملک با توجه به سابقه ادبی غنی که داشت و پس از او فرزند وی محمدعلی فروغی در تعیین و تشخیص کتاب‌های مورد نیاز تصمیم‌گیری کرده و در صورتی که کتابی را مناسب می‌دیدند به ترجمه آن می‌پرداختند. برای نمونه، محمدحسین فروغی در دیباچه کتاب عجائب زمین و غرائب آسمان، کتاب مذکور را «گنجی شایگان» می‌خواند و می‌گوید: «دریغم آمد که هموطنان من که عاری از علوم عربیه و ادبیه می‌باشند از مطالعه این کتاب مستطاب محروم مانند نخوانند و دانستنیها ندانند» (فروغی الف، ۱۳۱۶ق: ۸). همچنین محمدحسین فروغی در مقدمه کتاب سفر هشتاد روزه دور دنیا، نوشته ژول ورن، علت انتخاب کتاب برای ترجمه را سرشار بودن آن از نکات اخلاقی می‌داند که برای تربیت یک ملت لازم است:

کتاب مذکور حکایتی است شیرین و داستانی زیاده از حد دلکش و جاذب و رنگین آمیخته به مسائل مهمه جغرافیای و معرفت ممالک و بلاد و اقالیم اروپایی و آسیایی و آمریکایی به علاوه مصنف دانشمند آن در اوراق رساله خود نقشه کاملی از همت و غیرت و راستی و درستی و بلند نظری و عالی کهری و فتوت و مروت و اخلاق حمیده و صفات حسنه و رهاندن گرفتاران و ابطال دسایس و توطئه طراران و این جمله را برای هر صاحب دیده مجسم ساخته و پرده از روی شاهدان معنی برانداخته تا ملت فرانسه و ابنای وطن او بینند و برغبث آیند و خود را بانصافات و محسنات آرایند و متخلق بآن اخلاق (فروغی ب، ۱۳۱۶ق: ۵).

از دیگر مترجمانی که در انتخاب و تهیه کتاب دست داشتند، محمد قزوینی است. محمدعلی فروغی در یادداشت‌های روزانه خود به تاریخ یکشنبه ۱۴، چنین آورده است (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۰۸):

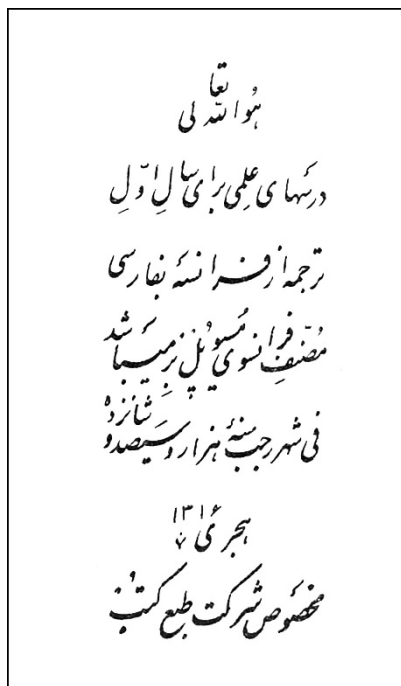
آقا شیخ محمد آمد. معلوم شد خیال دارد رشته کتاب لکتور ترتیب دهد مثل مدارج القرائه و کتاب‌های درس انگلیسی. خیال او را پسندیدم زیرا که انجمن معارف هم این تکلیف را به ما کرده و فرصت آن را نداریم. حال که او به خیال‌افزاده دو نفری لابد کاری خواهیم کرد. صحبت آن را کردیم و طرحی ریختیم و فی‌المجلس دو سه حکایت نوشتیم.

بانیان و عاملان شرکت طبع نیز در انتخاب کتاب‌ها دخالت داشتند. به‌عنوان نمونه در مقدمه کتاب *درسهای علمی برای سال اول*، نوشته پل بر فرانسوی، محمدحسین فروغی که وظیفه نگارش و تألیف آن را برعهده داشته (ترجمه میرزا محمد شیخ شاگرد طب)، در مقدمه، ترجمه و نگارش کتاب را حسب فرمایش سردار مکرم فیروزکوهی بیان کرده است (فروغی پ، ۱۳۱۶ق: ۳).

در مورد روش ترجمه مترجمان، باید گفت از مقدمه‌ها و دیباچه‌های مترجمان در آغاز کتاب‌های ترجمه‌شده برمی‌آید که مترجمان چندان خود را مقید به شیوه نگارش نویسنده نمی‌کرده‌اند. دلیل این امر هم این است که کتاب برای مخاطبانی خاص، یعنی شاگردان مدرسه، ترجمه می‌شد، پس باید به اندازه کافی

قابل فهم و روشن می‌بود. محمدعلی فروغی به روشی در دیباچه کتاب *تاریخ ملل قدیمه مشرق*، به این نکته اشاره کرده است:

بتجربه معلوم کرده‌ام که غالباً ترجمه عین کتب خارجه برای متعلمین ایرانی مناسب ندارد و مقتضی حال ایشان نیست لهذا مصمم شدم در این طبع جدید بمتابعت تامه مسیو سینوبس فرانسوی مؤلف اصل کتاب مقید نشوم و تصرفات لازمه از حذف بعضی زواید



و اضافه برخی فواید در آن بنمایم و محض اینکه انتفاع متعلمین در حین مطالعه زیاد شود تصاویر و نقشه‌های چند که بجهت فهم مطالب واجب است در ضمن کتاب درج کنم و قسمت راجع بتاریخ قدیم ایران را حسب‌المناسبه بسط دهم و مکمل سازم و هر جا که در تلفظ اسامی عَلم ممکن است برای خواننده تردیدی دست دهد آن را بخط فرانسه بنویسم تا اشکالی باقی نماند (فروغی، ۱۳۲۷ق: ۳).

محمدحسین فروغی نیز در مقدمه کتاب *غرائب زمین و عجایب آسمان* قید کرده که «افادات چند بر آن افزوده و توضیحها نموده» است (فروغی الف، ۱۳۱۶: ۱۰). وی در مقدمه کتاب *سفر هشتاد روزه دور دنیا* نیز می‌گوید: «کتاب سفر هشتاد روزه ژول ورن را ترجمه و انشا نمودم و از توضیح آنچه لازم بود بر آن افزودم» (فروغی ب، ۱۳۱۶: ۶). محمدحسین فروغی این رویه را سرلوحه کار خویش قرار داده و در دیباچه کتاب *چرا به این جهت* نیز این مطلب را بیان می‌دارد (فروغی ب، ۱۳۱۸ق: ۴):

[...] نیمه ترجمه‌نشده را گفتم فرزندم محمدعلی که در این علوم بصیرتی درست دارد ترجمه کند و عبارات را خود مثل آب روان کردم و کتاب را بهمان صورت کتابی تمام نمودم تا اسباب کار و تحصیل متعلمین مکاتب و مدارس قدیمه و جدیده گردد و این سبک غیر معمول هم که برای ما تازگی دارد معمول و متداول شود.

بدین ترتیب برخلاف مترجمان عهد ناصری که ترجمه تحت‌اللفظی را ارجح می‌دانستند (دست کم در دوره اول فعالیت دارالترجمه بنا بر خواست ناصرالدین شاه)، مترجمان مظفری هدف خود را روشن‌تر کردن مطلب و قابل فهم کردن آن می‌دانستند. پس از اینکه کتابی ترجمه می‌شد، جهت تحریر یا اصلاح نگارش، همان ویرایش امروزی، به محمدحسین فروغی یا فرزند وی محمدعلی فروغی سپرده می‌شد. طبق اطلاعاتی که افشار از دست‌نوشته‌ها و اسناد شرکت به دست آورده، بعد از این مرحله، کتاب در اختیار کاتبان قرار می‌گرفت تا با خط خوش نسخه‌ها را کتابت کنند. سپس کتاب‌های خطاطی شده به مطبعه سنگی شرکت جهت چاپ و تصویرگری و حروفچینی منتقل می‌شدند. اما از آنجایی که شرکت صحافی نداشت کتاب‌ها را پس از چاپ برای صحافی و تجلید به صحاف می‌دادند (افشار، ۱۳۷۸: ۷۵-۸۰). کتاب‌های آماده‌شده، برای فروش به صورت امانت نزد کتابفروشی‌ها و، به نقل از افشار (۱۳۷۸: ۸۰)، «دفتر بعضی از مدرسه‌ها» قرار می‌گرفت تا به فروش برسند. کتابفروشی‌ها در قبال کتاب‌های امانت گرفته‌شده، قبض‌هایی را که مهلت دو ماهه داشتند به شرکت می‌دادند و بدین ترتیب شرکت می‌توانست سر موعد مقرر به حساب



کتاب‌های فروخته شده رسیدگی کنند و وجوه آن را از کتابفروشی‌ها دریافت کنند.

شرکت ملی طبع کتب از همان ابتدا به صورت شفاف در نظام‌نامه یا قرارنامه خود دیدگاه خود را نسبت به کارکرد ترجمه اعلام می‌کند. کارکرد ترجمه از نظر شرکت از بین بردن بی‌سوادی و جهل است. احتشام‌السلطنه از بنیان و عاملان اصلی شرکت، «ترجمه و نشر کتاب‌های مفید از زبان‌های خارجی جهت بیداری

مردم» را دلیل نیاز به تأسیس شرکت ملی طبع کتب بیان کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۹۶). دولت‌آبادی نیز ارزش ترجمه را در کاهش «حاجتمندی شدید ملت مخصوصاً به کتب درسی» می‌دید (۱۳۶۱: ۲۰۲). و بعدها در قرارنامه/نظام‌نامه خیر و صلاح مملکت را در «شیوع تربیت» دانستند که نیازمند ترجمه و تهیه «کتاب‌های نافع» بود.

مترجمان شرکت نیز از درد بی‌سوادی و جهل مردم رنج می‌بردند و برای آنها کارکرد ترجمه همانا پرکردن خلأ سواد و آگاهی در مردم بود، چنان‌که محمدحسین فروغی در مقدمه کتاب *سفر هشتاد روزه دور دنیا می‌گوید*:

و دردا که ما درد این کار نداریم و وقتی بآن مطالب مهمه نمی‌گذاریم برادران ما در مغاک جهل و جنون جان میدهند و ما بغفلت خفته از گفتنیها هیچ نگفته و اگر چیزی هم گوئیم بتقلید و از روی مکیدت است نه باحسن عقیدت روحها از جان کلام بیخبر حرفها چون دخلی بجائی ندارد سست و بی‌اثر حقیقت را گذاشته زرق را گرفته‌ایم و راه خلط مبحث و جرق و برق رفته‌ایم آه‌آه من برخی آنصاحب درد که مرض یاران او را مختصر ساخته و از پا انداخته باشد و از گسستن این شیرازه اوراق وجودش بی‌اختیار از یکدیگر بپاشد دلش چون آهن تفته گشته و از سردی و خنکی اصحاب سوخته و برشته کو کجا کیست هست نیست در فلک اطلس یا کره مشتری است. (فروغی ب، ۱۳۱۶ق: ۵).

در این میان احتشام‌السلطنه از تأسیس دارالترجمه و شرکت ملی طبع کتب ملی/ملتی، هدفی

دیگر را نیز دنبال می‌کرد و آن تأسیس نهادی مردم‌بنیاد در دل حکومتی استبدادی بود چنان‌که بعدها در خاطراتش آورده است (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۳۰):

اسهام شرکت به طبع رسید و برای فروش آماده بود و من بدون آنکه جرأت اظهار مطلب را به نزدیکترین کسان خود داشته باشم خوشحال بودم که چند سال نمی‌گذرد که علاوه از منافع کلی تعمیم مدارس و معارف و باسواد شدن اطفال و جوانان و آماده شدن افکار عمومی از راه انتشار روزنامه و طبع و نشر کتب مفید، ملت با مشارکت در اداره شرکت ملی معارف و دخالت مستقیم در تعیین هیئت رئیسه انجمن و رؤسا مدارس و کتابخانه‌ها و غیره در سراسر مملکت طعم و لذت دخالت در تعیین سرنوشت خود را خواهند چشید و با منافع مادی و معنوی که از این همکاری ملی عایدشان خواهد شد. به آسانی و با یک نهیب آماده دخالت در امور عمومی و حکومتی و اجتماعی خود می‌گردند و با بصیرت و شایستگی کامل و با یک جهش عمومی نظام پوسیده و فاسد حکومت فعلی را سرنگون خواهند ساخت و اختیار اداره مملکت را بدست نمایندگان برگزیده و شایسته خویش خواهند سپرد. این افکار و آرزوهای طلایی مربوط به هشت تا نُه سال قبل از صدور فرمان مشروطیت بود (تأکید از نگارنده).

۴. کتاب‌های چاپ شده در شرکت طبع کتب

چنان‌که گفته شد، اعضای شرکت در پی رسالت انجمن معارف برحسب نیازهای آموزشی موجود به تألیف و ترجمه کتاب‌های لازم دست می‌زدند. طبق منابع بررسی شده^۱، کتاب‌های چاپ شده به شرح زیر است. شایان ذکر است که شرکت کتاب‌های دیگری (بیشتر مذهبی) نیز چاپ می‌کرده است که اسامی آنها در ادامه می‌آید:

۱. کلام الله، ۱۳۲۰ق

^۱ فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از آغاز تا ۱۳۷۰ زیر نظر محسن ناجی نصرآبادی

فهرست کتاب‌های چاپ سنگی میرجلال‌الدین محدث ارموی

فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ (زیر نظر احسان یارشاطر)

سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

همچنین مقاله ایرج افشار، خاطرات احتشام‌السلطنه و یحیی دولت‌آبادی نیز بررسی شده است (ر.ک.

کتابنامه)

۲. استبصار شیخ الطایفه قدس سره که از کتب اربعه میباشد ۱۳۲۰ق
۳. نقش فی الحجر ترجمه حسن الحسینی ۱۳۱۷ق (یک نسخه در کتابخانه مجلس است که به عربی است و چاپ بیروت)
۴. شرح لمعه با حاشیه فاضل هندی (کاتب)
۵. حیوة القلوب مجلسی جلد سوم
۶. وافی مرحوم فیض رحمه الله علیه که از روی نسخه خط مصنف تصحیح می شود.
۷. منهاج ۱۳۲۰
۸. بحار الانوار مرحوم مجلسی در احوال حضرت رسول ج ۶

کتاب‌هایی که ترجمه، تألیف و چاپ شده‌اند:

۱. ادبیات فارسی
۲. پُل بر در مبادی علوم طبیعی / درسهای علمی برای سال اول، ۱۳۱۸ق
۳. تاریخ ایران (تألیف محمدعلی نگارش محمدحسین) / دوره ابتدایی از تاریخ عالم (جلد اول): تاریخ ایران ۱۳۱۸ق
۴. تاریخ مختصر اسکندر کبیر
۵. چرا به این جهت در صحبت ساده طبیعی و هیئت
۶. ریحانه الافکار (ترجمه شده در دوره ناصری)
۷. سفر هشتاد روزه دور دنیا
۸. غرایب زمین و عجایب آسمان
۹. نردبان خرد (داستانهای فنلن، ۱۳۱۷ق مترجم محمدحسین فروغی خود را رئیس دارالترجمه همایونی معرفی کرده و نامی از شرکت طبع کتب نیاورده است. درضمن کتاب ممهور به مهر ملاحظه شد است)
۱۰. مدخل الحساب چاپ سنگی / کتابخانه ملی / ۱۳۱۷ق / کریم قاجار کاتب محمدالدرجزینی الهمدانی / آقا خان سرتیپ کریم
۱۱. نخست نامه (یک نسخه در تهران، کتابخانه مجلس، تألیف ماطهوس خان ملک یان / ۱۳۲۳ق / کتاب درسی راهنمای آموزش ابتدایی
۱۲. کتاب فرانسه
۱۳. کتاب علی (یحیی دولت آبادی)
۱۴. مقالات نظامی

۱۵. مقاله تاریخی سید تبریزی
۱۶. ناسخ التواریخ
۱۷. نمکدان (دیوان محمد یزدی المتخلص بمیرزا جیحون الملقب به تاج الشعراء)
۱۸. ضیاء العیون (کتاب مذهبی درباره مهرهای منسوب به پیامبر)
۱۹. رجال (کتاب عربی درباره رجال شیعه)
۲۰. دیکته
۲۱. خصایص
۲۲. قواعد الجلیه (کتاب درسی، صرف و نحو زبان عربی)



محمد علی فروغی

مترجمان و مؤلفانی که بیش از دیگران در شرکت فعال بودند عبارت بودند از محمد حسین فروغی و فرزند وی محمد علی فروغی. کتاب‌هایی که از این دو به جا مانده، طبق منابع موجود شش کتاب است که عبارتند از: سفر هشتاد روزه دور دنیا؛ چرا، به این جهت (مجموعه پرسش و پاسخ بین دو کودک و معلم خود)؛ درس‌های علمی برای سال اول / مبادی علوم طبیعی (نوشته پُل بر)، غرائب زمین و عجائب آسمان؛ تاریخ عالم (۲ جلد). این کتاب‌ها را، به جز عجائب زمین و غرائب آسمان که محمد قزوینی

ترجمه آن را به عهده داشته است، معمولاً محمد علی فروغی ترجمه و پدر وی نگارش یا همان ویراستاری می‌کرده است. ظاهراً شرکت کتاب‌های دیگری نیز چاپ می‌کرده است که عمدتاً کتاب‌های مذهبی از جمله قرآن کریم بوده است. دولت‌آبادی نیز در شرح خاطرات خود به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «انجمن معارف در اینوقت اهل خود را به نگارش کتاب‌های مفید برای تدریس در مکاتب تشویق می‌کند مخصوصاً در شرعیات که محل توجه عموم است... آنچه امروز به آن احتیاج داریم شرعیاتی است که مبتدیان را

به کار آید» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲۱۴). وی در ادامه به نگارش کتاب *علی*، کتابی درباب «شجره طیبه» که به دست خود او انجام شده است اشاره می‌کند و آن را «سپری» می‌داند برای حفظ «معارف نارس از تیرهای تهمت بی‌دیانتی که از طرف بی‌دیانت‌های حقیقی بجانب مؤسسين آن رها میگردد» و «زبان بدخواهان را تا یک اندازه کوتاه مینماید» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲۱۵). ظاهراً این امر دلیلی برای تعدد کتاب‌های عربی‌مذهبی در شرکت طبع بوده است.

۵. انجام شرکت

یک سال پس از آغاز فعالیت‌های انجمن، بنا به گزارش احتشام‌السلطنه، انجمن علاوه بر تأسیس شرکت، کتابخانه ملی، چاپخانه و روزنامه، بیش از پانزده مدرسه نیز راه‌اندازی کرده و تعداد شاگردان به ۴۰۰۰ نفر رسیده بوده است. احتشام‌السلطنه در دیداری که با نیرالملک وزیر علوم داشته، این اقدامات را برشمرده و لزوم در نظر گرفتن تمهیداتی برای آینده این مدارس و نیز تأسیس مدارس عالی و کالج به سبک فرنگ و به کارگیری اساتید از غرب برای رشته‌های مختلف را به نیرالملک گوشزد می‌کند. اما بنا به قول او ظاهراً این پیشنهاد وحشتی در دل نیرالملک می‌اندازد، چون نامبرده مظفرالدین‌شاه را از عواقب فعالیت‌های احتشام‌السلطنه بیمناک می‌کند و «چنین وانمود کردند که من در مقام ایجاد شورش و بلوا برضد سلطنت و بخیال تبدیل رژیم به جمهوری میباشم» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۳۳). این وقایع در نهایت منجر به صدور محرمات حکم قتل شبانه احتشام‌السلطنه از جانب مظفرالدین‌شاه شد که با وساطت امین‌الدوله و «جوانمردی» مختارالسلطنه وزیر نظمیة انجام نشد؛ اما منجر به دورکردن احتشام‌السلطنه از تهران شد. مظفرالدین‌شاه طی نامه‌ای «اختیارات تام و استقلال مطلق» انجمن معارف، مدارس و غیره را به نیرالملک سپرد. به گفته احتشام‌السلطنه، نیرالملک نیز به شاه وعده داده بود که به تدریج «انجمن معارف و مدارس و انجمن‌بازی و جریده‌نگاری را که اساس فتنه و فساد مملکت شده از میان ببرد» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۳۸).

بدین ترتیب مؤسسه‌ای که بنا بود خصوصی باشد و زیر نظر دولت نباشد ظاهراً رفته‌رفته، هرچند نه به‌طور کامل، تحت نظارت دولت درمی‌آید. دولت‌آبادی نیز به این نکته اشاره می‌کند که امور شرکت ابتدا به‌خوبی پیش می‌رفته است؛ اما بعد از درگذشت سردار مکرّم، دورشدن احتشام‌السلطنه از تهران، سفر طولانی حاج امین‌الضرب و بی‌ارادگی محمدباقرخان اعتمادالسلطنه (برادرزاده محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه) به تدریج رو به افول گذاشت

(دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۰۳). در واقع به تعبیر دولت آبادی «سیاست دولت» تغییر کرده بود و آنچه در ابتدا به معارف خواهان انگیزه و جسارت اقدامات اصلاحی داده بود، به تدریج از دست رفت یا کم رنگ تر شد. این تغییر شرایط مخصوصاً پس از بازگشت مظفرالدین شاه از سفر اولش به فرنگ، اواخر رجب ۱۳۱۸، بیشتر نمایان شد و مردم امید خود را نسبت به آزادی بیان و قلم از دست دادند (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۷۹). به علاوه، مانند دوره ناصرالدین شاه، افرادی که اصلاحات به ضررشان تمام می شد دست به مخالفت و مانع تراشی برای فعالیت های شرکت و انجمن زدند. از جمله این افراد «معلمین بیکار شده سرخانه ها و پاره ای از روحانیون بیخبر از اوضاع دنیا» بودند که به اسم اسلام و شریعت، از هیچ کاری چون «تهمت بی دیانتی» فروگذار نمی کردند. به همین دلیل است که دولت آبادی نگاشتن کتاب *علی* را وسیله ای برای کوتاهی «زبان بدخواهان» و تقویت انجمن معارف می دانست (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۱۵). شرکت طبع کتب به مدت یازده سال (از اواخر ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷) فعالیت کرد اما «بهم ریختگی اصولی» آن به گفته افشار از ۱۳۲۱ شروع شد (افشار، ۱۳۷۸: ۶۰). البته از منظر دولت آبادی از اواخر رجب ۱۳۱۶، یعنی حدود یک سال پس از آغاز فعالیت شرکت، به دلیل غرض ورزی ها و منفعت طلبی های عده ای، دو دستگی در شرکت پدیدار شد و آن را دچار بحران کرد و زمینه انحلال آن را پیش آورد (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۲۹).

۶. بستری نظری برای بررسی های تاریخی ترجمه

ناصرالدین شاه دارالترجمه را به عنوان ژستی ترقی خواهانه تأسیس کرد؛ اما چون ترجمه را کاری آگاهی بخش و مغایر با بقای سلطنت خود یافت، به تدریج بر ترجمه ها نظارت بیشتری اعمال کرد (دل زنده روی و خزاعی فر، ۲۰۱۹). با روی کار آمدن مظفرالدین شاه که نسخه کوچک تر استبداد پدرش بود، فضا برای ترجمه و نشر بازتر شد اما باز دولت مردان که شرکت خصوصی طبع کتب را خطری برای بقای سلطنت می دیدند با اخلال در کار این شرکت راه را بر ترجمه و نشر آزاد بستند. بدین ترتیب می توان گفت که رابطه میان ترجمه و سیاست در دوره دو پادشاه فوق الذکر به موقعیت و اغراض قدرت بستگی داشت چون نگاه استبداد به ترجمه نگاهی ابزاری بود. قدرت هم باعث رواج ترجمه شد و هم آنگاه که ترجمه به خطری برای موجودیت سلطنت تبدیل شد نظارت بیشتری بر آن اعمال کرد.

به نظر می رسد تجربه ترجمه در دوران قاجار منحصر به این دوره نباشد بلکه شاید بتوان، به خصوص در حکومت های استبدادی، مسئله ترجمه را در بستری اجتماعی فرهنگی و

به‌خصوص در بستر روابط قدرت بررسی کرد (نگاه کنید به «مقاله فهم بهتر تاریخ از راه بررسی ترجمه‌ها» در همین شماره). برای مثال در همین بستر روابط قدرت می‌توان با بررسی کم و کیف ترجمه در دوره رضاشاه به تغییر نقش ترجمه در این دوره در اثر اعمال قدرت رضاشاه پرداخت. رضاخان پهلوی پس از به قدرت رسیدن با وضع قوانینی چون «قانون راجع به نظارت مطبوعات» در ۱۳۰۱ش و «قانون مقدمین بر علیه استقلال و امنیت کشور» در ۱۳۱۰ش در صدد تثبیت بیشتر قدرت نظارتی خود برآمد. او همچنین «اداره اطلاعات شهربانی» را موظف به ممیزی کتاب‌ها و مطبوعاتی کرد که در داخل کشور منتشر و یا از دیگر کشورها وارد می‌شدند (رجبی، ۱۳۸۸: ۴۱). در نتیجه سیاست‌های رضاشاه ادبیات جدی و مترقی مجال رشد نیافت و اندک آثاری که ترجمه یا تألیف می‌شدند و یا مطالبی که در روزنامه‌ها یا مجلات منتشر می‌شد، هدفی جز سرگرمی خوانندگان نداشتند. سانسور شدید در هر دو حوزه نشر جراید و کتاب، عرصه نشر را به سمت انتشار آثار نویسندگان رمانتیک اروپایی، نوشته‌های پرسوز و گداز و تقلید نویسندگان ایرانی از داستان‌های سوگناک عاشقانه سوق داده بود. همچنین در این دوره، انتشار داستان‌های سرگرم‌کننده به صورت پاورقی در نشریات رواج یافت (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۳۲۸).

بدین ترتیب، آنچه بررسی تاریخی ترجمه را ارزشمند می‌کند این است که در هر دوره ترجمه‌ها انعکاسی از ساختار فرهنگی و اجتماعی و از آن مهم‌تر ساختار قدرت حاکم بر جامعه هستند و توصیف کم و کیف آنها می‌تواند به درک روشنی از این ساختارها و یا، آنگونه که راندل (۲۰۱۲) می‌گوید، به کشف حقیقتی تاریخی بینجامد که از چشم مورخان دورمانده است.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۵). *تاریخ و تحول نشر در ایران: درآمدی به بررسی نشر کتاب در ایران از آغاز تا آستانه انقلاب*. تهران: خانه کتاب.
- احتشام السلطنه قاجار، محمود (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام السلطنه*. به کوشش محمد مهدی موسوی. تهران: زوار.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸). *نخستین شرکت ملی طبع کتاب*. در حسن سیدعرب و علی اصغر محمدخانی (به کوشش) *مهدوی نامه: جشن نامه استاد دکتر یحیی مهدوی* (صص ۵۷-۹۹). تهران: هرمس.

تاره، مسعود (۱۳۹۳). ایران در دوره مظفرالدین شاه. در کاظم موسوی بجنوردی (زیر نظر). تاریخ جامع ایران، ج ۱۲، (صص ۲۹۷-۳۶۰). تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱). حیات یحیی. ج ۱. تهران: عطار، فردوسی. رجیبی، محمدحسن (۱۳۸۸). مروری کوتاه بر تاریخ کتاب ایران: از آغاز تا کنون. تهران: اطلاعات.

فروغی، محمدحسین الف (۱۳۱۶ق). غرائب زمین و عجایب آسمان. تهران: شرکت طبع کتب. فروغی، محمدحسین ب (۱۳۱۶ق). سفر هشتاد روز دور دنیا. تهران: شرکت طبع کتب. فروغی، محمدحسین پ (۱۳۱۶ق). درسهای علمی برای سال اول. تهران: شرکت طبع کتب. فروغی، محمدحسین الف (۱۳۱۸ق). [مقدمه]. در محمدعلی فروغی، دوره ابتدایی از تاریخ عالم. صص ۹ تا ۴.

فروغی، محمدحسین ب (۱۳۱۸ق). [دیباچه]. در محمدعلی فروغی، چرا به این جهت. ص ۴ تا ۴۱. فروغی، محمدعلی (۱۳۲۷/۱۳۱۷/۱۳۱۸ق). تاریخ ملل قدیمه مشرق. تهران. فروغی، محمدعلی (۱۳۳۸). یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی: ۲۶ شوال ۱۳۲۱-۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ قمری. به کوشش ایرج افشار. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت. ج ۱ تهران: انتشارات علمی.

Delzendeherooy, S., Khazaeefarid, A., Khoshsaligheh, M. (2019).

Despotism and Translation in Iran: The Case of Naseri House of Translation as the First State Translation Institution, *inTRAlinea* Vol. 21.

<http://www.intralinea.org/archive/article/2367>.

Rundle, Ch. (2012). Translation as an approach to history. *Translation Studies*. 5(2), 232-248.